

# دولت به کام‌رندان

مرور بر اهمیت و نقش دولت صفویه در تاریخ تشیع

دکتر اصغر مستظرف‌القائم / دکتر علی اکبر جعفری

اشاره

صفویان به عنوان اولین سلسله‌ای که پس از ورود اسلام به ایران توانستند با تشکیل دولت متمرکز و قدرتمند، هویتی مبتنی بر مذهب تشیع را برای این سرزمین و ساکنان آن ایجاد نمایند. از یکسو موجب بازگشت ایران به صحنه‌ی معادلات و مناسبات جهانی شدند و از دیگر سوی، ایرانی را بنیان نهادند که در دوره‌های بعد از خود نیز منشأ اثر فراوان بوده‌اند؛ بر این اساس می‌باید، در مطالعات تاریخی ایران بالاخص در حوزه‌های دینی، مذهبی، فرهنگی و تمدنی به اهمیت و نقش صفویه توجه ویژه نمود. در واقع صفویان در میان تمامی سلسله‌ها و حکومت‌های شیعه‌مذهب در طول تاریخ اسلام، مهم‌ترین و موثرترین نقش را در پیشرفت تشیع و نهادینه کردن آن داشته‌اند. نگاهی کلان و تاریخی به این دوران، این سوال را ایجاد می‌نماید که نقش صفویان در تاریخ تشیع در چه متغیرهایی می‌تواند بررسی شود؟

مهم است، به گونه‌ای که مطالعات در این حوزه‌ها بدون توجه به این دولت، مطالعه‌ی ناقصی خواهد بود.

اگرچه مطالعات گوناگونی در مورد چگونگی رسمیت مذهب تشیع در دوره‌ی صفویه و تاریخ تشیع در این دوره صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است، اما تمامی، ناظر بر مسیر گرایش و رشد این مذهب در این مقطع خاص می‌باشد و لذا کمتر به تحلیل و بررسی نقش این دولت در تاریخ تشیع و نهادینه کردن این مذهب به عنوان ایدئولوژی حاکمیت پرداخته‌اند. بر این اساس، متغیرهایی را که به واسطه‌ی آن‌ها می‌توان به ارزیابی نقش صفویان در تاریخ تشیع پرداخت باید بررسی و تحلیل نمود و در این بررسی و بدلیل آنکه تحولات تاریخی را هیچ‌گاه نمی‌توان خطی محور تصور نمود، ضرورتاً نگاه مختصری به تاریخ تشیع در ایران قبل از صفویه و دوره صفویه نیز شده است تا با استفاده از آن‌ها، نقش و اهمیت صفویان در تاریخ تشیع به صورتی دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

### چشم انداز تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا صفویه

اگرچه دولت صفویه به عنوان عامل اصلی رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در ایران شناخته می‌شود، اما موضوع گرایش مذهبی یک جامعه نیز به مانند دیگر پدیده‌های تاریخی، یک موضوع شبکه‌محور است. عوامل متعددی در یک دوره‌ی زمانی نه‌صد ساله دست به دست هم داد و شرایطی را فراهم نمود که تشکیل دولت صفویه و اعلام رسمی مذهب تشیع، نتیجه و ثمره‌ی آن بود. تکیه‌گاه اصلی این شرایط، نفوذ تدریجی اما آهسته و آرام تشیع در ایران از همان قرن اول هجری بوده است. پذیرش تشیع و گرایش به آن در تاریخ ایران یک پدیده‌ی تدریجی و در بستر زمانی نه قرن بود، اگرچه رسمیت آن در دوره‌ی صفویه به صورت دفعی رخ داد. صرف‌نظر از آگاهی ایرانیان از موقعیت و جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن و نظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و گرایش قلبی به اهل بیت (علیهم‌السلام)، برخی از نواحی ایران از همان قرن اول هجری به عنوان پایگاه شیعیان شناخته شده است. قیام مختار و همراهی ایرانیان با وی، گشتار و خشایبانی ایرانیان به وسیله مصعب بن زبیر، جنایات و مظالم آل امیه و حجاج بن یوسف، موجب همراهی ایرانیان با اهل بیت (ع) و مهاجرت عده‌ای از شیعیان کوفه به ایران شد تا بتوانند بدون دغدغه‌ی خیال و به آسودگی در این سرزمین زندگی کنند؛ از جمله فرزندان سائب بن مالک اشعری بودند که از کوفه به ایران مهاجرت کردند و در قم ساکن شدند.<sup>۱</sup> اشعریان مهاجر به قم، دوست‌دار اهل بیت (ع) بوده و اظهار تشیع می‌نمودند. لذا اهل قم به زودی به تشیع گرویدند و قم به اولین پایگاه تشیع در ایران تبدیل شد، به ویژه از آن رو که مسکن دیگر قبایل شیعی نیز شد.<sup>۲</sup> کانون شیعی قم در گذر زمان توانست نقش موثری در گسترش تشیع در نواحی پیرامونی خود ایفا نماید به گونه‌ای که شعاع آن به کاشان، آوه، تفرش و حتی به شمال ایران نیز کشیده شد. گزارش‌های موجود، گرایش مذهبی مردم کاشان را نشان می‌دهد. در قرن هفتم هجری، مردم این شهر، شیعه‌ی امامیه بوده و همه روزه، صبح در انتظار امام زمان (عج)، مراسم برگزار می‌نمودند، همانگونه که تشیع مردم آوه و تفرش را اثنی عشری نوشته‌اند.<sup>۳</sup> با این وجود، از زمان تاسیس سلسله‌ی آل بویه و سپس حاکم شدن آن‌ها در بغداد،

### مقدمه

نقش صفویان در تاریخ تشیع در چه متغیرهایی می‌تواند بررسی شود؟ برای پاسخگویی به این سوال، این فرضیه پیش روست که: «صفویان شرایطی را فراهم نمودند که مذهب تشیع توانست به عنوان ایدئولوژی حاکمیت در جهان اسلام مورد توجه و پذیرش قرار گیرد.» بررسی این موضوع در حوزه مطالعات تاریخی و از نوع توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد. در این بررسی از روش تحقیق تاریخی استفاده شده و روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر نوشته‌های مورخان ایرانی عصر صفوی و سفرنامه‌های اروپاییان و نیز تحقیقات جدید می‌باشد. یافته‌های اساسی تحقیق، فرضیه‌ی فوق را تایید می‌نماید و نشان می‌دهد که در دوران حاکمیت سیاسی صفویان و رسمیت مذهب تشیع، شرایطی فراهم شد که حکما، فقها، علما، دانشمندان و هنرمندان شیعه مذهب با فعالیت و تلاش و کوشش خود، توان مذهب تشیع را به عنوان ایدئولوژی حاکمیت و توانمند در جهت ایجاد هویتی جدید و تمدن ساز، تثبیت نمایند.

ورود اسماعیل، کوچکترین فرزند شیخ حیدر، به تبریز در سال ۹۰۷ ه.ق. و تشکیل سلسله صفویه و اعلام رسمی مذهب تشیع، پایانی خجسته بر یک دوره‌ی طولانی تلاش شیوخ صفوی برای بدست‌گیری قدرت بود. با این وجود، این اقدام او، آغازی برای پرداختن به جنبه‌های مختلفی از توان و انرژی مذهب تشیع نیز محسوب می‌شد که تا آن زمان فرصتی برای قرار گرفتن در جایگاه حاکمیت پیدا نکرده بود. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند که این نوجوان صفوی با حمایت گروهی با عنوان «اهل اختصاص» چگونگی توانست به این مهم دست یابد؛ لذا موفقیت او تا حد بسیار زیادی متأثر از وجود همین حلقه‌ی پیرامونی اوست که با استفاده از شرایط جامعه و قرار گرفتن در پشت‌سر نوجوانی از خاندان متنفذ و مورد توجه صفویه، اهداف و برنامه‌های خود را اجرا نمودند. این روش به عنوان الگویی در تمام دوران حاکمیت صفویه اما با عنوان و شکل دیگری ادامه یافت که حاصل آن، قرار گرفتن تشیع فقهاتی در صدر حاکمیت جامعه ایران بود. بر این اساس دولت صفویه با اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور و حمایت از آن، فرصتی را فراهم نمودند که نخبگان دینی و علمی و هنری جامعه با دست‌زدن به تلاش و فعالیت‌های جدی توانستند این مذهب را به عنوان ایدئولوژی توانمند برای اداره‌ی امور مختلف جامعه تثبیت نمایند.

حمایت دولت صفوی از مذهب رسمی تشیع و استفاده‌ی بهینه از این شرایط توسط علما، دانشمندان و هنرمندان، موجب شد تا هویت جدیدی مبتنی بر آموزه‌های تشیع برای ایران بوجود آید و توان تمدن‌سازی تشیع به نمایش درآید. بر این اساس، نقش و اهمیت دولت صفویه در تاریخ ایران و تاریخ تشیع بسیار اساسی و

### دو نگاه

حمایت دولت صفوی از مذهب رسمی تشیع و استفاده‌ی بهینه از این شرایط توسط علما، دانشمندان و هنرمندان، موجب شد تا هویت جدیدی مبتنی بر آموزه‌های تشیع برای ایران بوجود آید و توان تمدن‌سازی تشیع به نمایش درآید. بر این اساس، نقش و اهمیت دولت صفویه در تاریخ ایران و تاریخ تشیع بسیار اساسی و مهم است، به گونه‌ای که مطالعات در این حوزه‌ها بدون توجه به این دولت، مطالعه‌ی ناقصی خواهد بود

و آداب مذهبی شیعه به ویژه در موضوع عاشورا.

- پرهیز از تعصب‌های مذهبی شدید به ویژه در برخورد با دیگر فرق مذهبی و ایجاد تمایل برای همکاری و دوستی با آن‌ها. - عقیده به حاکم آرمانی که همه منتظر او بودند؛ خلیفه واقعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) که مشتاقانه به انتظار رهبری او بر جامعه نشستند و او کسی نبود جز مهدی موعود (عج) که مذاهب مختلف انتظار آمدنش را می‌کشیدند.

علاوه بر مسائل پیش گفته، عامل دیگری که موجب رشد چنین جریانی شد، جریان‌های عرفانی و نیز صوفیانه بود که رابطه‌ی تنگاتنگی با حضور قوی عناصر تشیع برقرار کرده بودند. بر این اساس، گسترش عرفان و تصوف با صبغی شیعی، برجسته‌ترین سیمای دینی در این دوره بود.

این گرایش مذهبی جدید علاوه بر آنکه زمینه‌ساز گرایش بیشتر به شیعه دوازده امامی را در قرن بعد فراهم نمود، در آثار علمی و نوشته‌های این دوره، کتیبه‌های مساجد و اماکن تاریخی و مهم‌تر از همه جنبش‌های مذهبی، سیاسی قرن هشتم و نهم هجری قمری همچون سرپاداران، مرعشیان، کارکیانیان و نیز مشعشعیان در خوزستان تأثیر گذاشت. این جریان نه تنها در مرزهای سیاسی و فرهنگی ایران آن دوره بلکه در بیشتر قلمرو جهان اسلام دیده می‌شود، اما کانون مهم و اصلی آن را باید در

مرزهای ایران دید. آنچه بر شکل‌گیری این جریان و تشدید آن در ایران تأثیر گذاشت، تسامح و تساهل مغولان، فقدان حکومت مرکزی قدرتمند بعد از سقوط ایلخانان، گرایش برخی حاکمان به اسلام جدید، تشکیل حکومت‌های محلی شیعی، خروج برخی مناطق و نواحی از دایره‌ی قدرت و نفوذ حاکمیت‌ها و تحلیل رفتن نفوذ دولت‌ها بر این نواحی و سرانجام نقش موثر علما و فقهای شیعه بود. این عامل آخر از موثرترین عوامل بوده است زیرا این گروه بر تلاش‌های عموماً پنهان خویش در زمینه‌ی تغییر مذهب سلسله‌های حاکم افزودند و با این تلاش

خود، آن‌ها را به سوی قشع اصیل هدایت نمودند.<sup>۹</sup> نتیجه این عوامل را در گرایش مذهبی شیعی سلسله‌های بزرگ و کوچک محلی می‌توان دید که پس از سقوط ایلخانان در ۷۳۶ ه.ق تا تشکیل دولت صفویه در ۹۰۷ ه.ق در مناطق مختلفی از ایران تشکیل شده و حتی برخی معتقدند که تعدادی از این سلسله‌ها و از جمله آل جلایر، سربداران و قزاق‌یولوها دارای گرایش‌ها و تمایلات شیعی امامی بوده‌اند.<sup>۱۰</sup> در این میان، اظهار نظر در مورد موقعیت شیعیان و رشد اندیشه‌ی تشیع امامیه در زمان تیمور با پیچیدگی خاصی همراه است، اما برآیند این دوره نیز نشانگر رشد گرایش به تشیع بوده است. اگرچه برخی به استناد گزارش مورخان زمان تیمور، او را شیعه معرفی می‌نمایند.<sup>۱۱</sup> اما او معتقد به فقه تسنن بوده و حتی گفته شده که حنفی بوده است.<sup>۱۲</sup> با این وجود، روابط او با علمای شیعه و به ویژه با گروه‌های شیعه، روابط دوگانه‌ای بوده است؛ از روابط دوستانه و صمیمیت تا سخت‌گیری و کشتار. لذا بی‌مناسبت نخواهد بود اگر گفته شود به رغم رشد گرایش تشیع در این دوره و تأثیرگذاری این رشد بر شخص تیمور، نظر تیمور و عملکرد او با شیعیان را تنها باید از جنبه سیاسی دید و به عبارتی در «موضوع اظهار دوستی علی (ع) از طرف تیمور، عامل سیاسی دخالت داشته» و او

گرایش مردم ایران به تشیع، قویتر شد. روزگاری که شعارهای شیعی بر سر در مساجد دیده می‌شد و از مأذنه‌های بغداد به گوش می‌رسید و مراسم عاشورای حسینی در خیابان‌ها و معابر بغداد برپا بود و اهل سنت بغداد را توان مخالفت و جلوگیری از آن را نبود. چنین به نظر می‌رسد در این دوره، قدرت سیاسی جهان اسلام عمدتاً در دست شیعیان بود زیرا در شمال آفریقا و مصر فاطمیان، در یمن زیدیان، در جنوب عراق بنی‌شاهین، در حله خاندان بنی‌مزید از قبیله شیعی بنی‌اسد و در ایران و عراق آل‌بویه حکمرانی داشتند. اگرچه دوره‌ی تسلط آل‌بویه بر بغداد دیری نپایید، اما اثرات این گرایش قوی ایرانیان به تشیع با تمام نامالیقات سیاسی، نظامی و مذهبی پس از آن به ویژه دوران غزنویان و سلجوقیان پایدار ماند و بسیاری از نخبگان اداری و دبیران ایرانی در دستگاه خلفای عباسی و سلاجقه نفوذ کردند و به مقامات عالی رتبه وزارت دست یافتند. انتظار ایرانیان شیعی برای حضور فعالانه‌تر در مسائل جامعه با حمله‌ی مغولان به بغداد و سقوط خلافت عباسی تحقق یافت. سقوط عباسیان در سال ۶۵۶ ه.ق، که در جریان حمله‌ی هولاکو خان به بغداد و کشته شدن المستعصم بالله صورت پذیرفت، به ویژه با توجه به نقشی که برای خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌علقمی در این ماجرا بر شمرده شده است،<sup>۱۳</sup> از یکسو و تسامح مذهبی

مغولان از سوی دیگر، گرایش ایرانیان به تشیع را بیشتر و گسترش تشیع را در ایران فراهم کرد. بر این اساس، تغییر مذهبی که از گذشته و در مسیر تسنن به تشیع آغاز و در مسیرهای مختلفی همچون سیاست، فرهنگ، ادب، حدیث، عرفان و تصوف به جریان درآمده بود،<sup>۱۴</sup> با سقوط خلافت عباسی شتاب بیشتری به خود گرفت. در این میان، نقش خواجه نصیرالدین طوسی، حکیم شیعی با تاسیس رصدخانه و دانشگاه مراغه با یک برنامه‌ریزی تمدن‌ساز برای جبران ویرانی‌های مغول و پیشرفت علمی و تمدنی ایران را نباید نادیده گرفت. وی با جمع‌آوری دانشمندان از سراسر ایران و از

چین و اندلس و مصر و شام در مراغه، گامی دراز مدت در راه تولید علم تمدن‌ساز مبتنی بر عقلانیت شیعی برداشت. اقدامات خواجه نصیرالدین، زمینه توسعه‌ی مدنیت و شهرسازی و علوم گوناگون را فراهم ساخت. در جریان این تلاش‌های علمی و مجاهدت‌های عالمانه، جریان‌های فکری و مذهبی زیادی نیز بوجود آمد که «گاه در کسوت تصوف و گاه -و صد البته بیشتر اوقات- در مذهب تشیع -شیعه اثنی عشری- متبلور گردید.»<sup>۱۵</sup> پیدایش چنین فضایی بر تحکیم جایگاه تشیع در ایران می‌افزود، لذا در روزگار ایلخانان و به ویژه با سقوط آن‌ها با وجود حکومت‌های سنی مذهب در ایران، رشد چشمگیر تشیع بسیار محسوس بود. در این دوره، نوع جدیدی از گرایش مذهبی اسلام‌مدار در جامعه ایرانی رایج شد که از آن با عنوان «تسنن دوازده امامی» یا «اسلام مردمی» یاد شده است. برخی از ویژگی‌های این جریان جدید عبارت بودند از:

- گرایش به اهل بیت (ع) با نگارش فضایل و مناقب ایشان و اظهار ارادت به ساحت آن‌ها با وجود داشتن اعتقاد به خلفای راشدین. این گرایش عمومی به ویژه در میان جریان‌های منشعب شده از تسنن در این دوره مشهود بود.

- گرایش به برخی آموزه‌های اعتقادی شیعی و رواج برخی از مناسک



## دو نگاه

موضوع گرایش مذهبی یک جامعه نیز به مانند دیگر پدیده‌های تاریخی، یک موضوع شبکه محور است. عوامل متعددی در یک دوره‌ی زمانی نه‌صد ساله دست به دست هم داد و شرایطی را فراهم نمود که تشکیل دولت صفویه و اعلام رسمیت مذهب تشیع، نتیجه و ثمره‌ی آن بود. تکیه‌گاه اصلی این شرایط، نفوذ تدریجی اما آهسته و آرام تشیع در ایران از همان قرن اول هجری بوده است

برای استفاده از تمام ظرفیت‌ها و امکانات اتباع خود به این ویژگی نیز متصف شده است.<sup>۱۳</sup> با وجود این مسئله، رشد تشیع امامی در این دوران، فضای فکری و فرهنگی اجتماعی ایران را گرفته بود. این گرایش و اقبال عمومی می‌توانست نوید غلبه نهایی اندیشه‌ی تشیع امامیه را بر سایر اندیشه‌ها فراهم آورد، موضوعی که با تشکیل دولت صفویه، صورت عملی به خود گرفت.

#### صفویان، از گرایش به تشیع تا اعلام رسمی آن

یکی از موضوعات مهم در تاریخ صفویان، بررسی گرایش مذهبی آن‌ها به تشیع، پیش از تشکیل دولت صفویه است. این موضوع را می‌توان اصلی‌ترین مسئله در بررسی تاریخ شیوخ صفویه، در کنار بررسی خاستگاه و پیشینه‌ی آن‌ها محسوب کرد. دور از ذهن نخواهد بود اگر گرایش خاندان صفویه را به مذهب تشیع ادامه و تالی گرایش غالب مذهبی در روزگار ایلخانان و بعد از آن بدانیم. یک ویژگی بارز گرایش‌های مذهبی آن دوره، جریان یافتن آن در مسیرهای مختلفی بود که از آن میان، مسیر تصوف و عرفان از اقبال بیشتری در بین مردم برخوردار بود. مقبولیت تصوف در ایران پس از حمله‌ی مغولان و قرن هفتم تا دهم هجری از یکسو و گرایش‌های متمایل به تشیع در بین آن‌ها از سوی دیگر، ترکیب جدیدی را ایجاد کرده بود که صفویان از آن استفاده بهینه نمودند و حرکتی را بنیان گذاشتند که در نهایت به تشکیل این دولت و اعلام رسمی مذهب تشیع منجر شد.

میزان باور و اعتقاد شیوخ صفوی به آموزه‌های شیعی را در میانه‌ی محوری می‌توان تصور نمود که یک سوی آن را انواع اتهامات و هتاک‌های مخالفین چون ازبکان فراگرفته که نسبت به اعتقادات مذهبی شاهان صفوی بیان داشته‌اند<sup>۱۴</sup> و سوی دیگرش را تعاریف و تمجید و تکریم نویسندگان دوره صفویه و به ویژه آثاری همچون «صفوه الصفا» تشکیل می‌دهد.<sup>۱۵</sup> در این میان و بدون آنکه درصد اثبات یکی و ابطال دیگری باشیم، اذعان به

این امر ضرورت دارد که شیوخ طریقت اردبیل نیز در همان میدانی حرکت می‌کردند که دارای شاخصه‌هایی می‌باشند. لذا بکاربردن واژه‌ی «سیاسی» بودن اقدام آن‌ها در استفاده از گرایش‌های مذهبی جامعه و پایبند نشان دادن خود به آن، دور از ذهن نخواهد بود. گرایش صفویان به تشیع تا پیش از تشکیل این دولت و اعلام رسمی مذهب تشیع به عنوان ایدئولوژی جدید حاکمیت، صرف نظر از نزدیکی آموزه‌های شافعی که آن‌ها بدان معتقد بودند، متأثر از شرایط جامعه و رواج همان نوع از اسلام پیش گفته بود. نکته‌ی مهم در این جریان این است که حرکت سیاسی تشیع روز به روز گسترش می‌یافت و شیوخ طریقت اردبیل نیز بخشی از این حرکت را تشکیل می‌دادند. لذا گرایش آن‌ها به تشیع، دقیقاً تابعی از جریان‌های سیاسی-مذهبی ایران آن زمان محسوب می‌شد. اما با ورود اسماعیل به تبریز در ۹۰۷ ه.ق و آغاز حکومت صفویان، این موضوع صورت دیگری به خود گرفت که تاحدودی با مسائل پیش از آن، تفاوت داشت. تشکیل دولت صفویه از نتایج نفوذ معنوی شیخ صفی‌الدین اردبیلی و فرزندان او در میان ایلات قزلباش بود. این نفوذ معنوی، آن‌ها را به صورت رهبران مذهبی‌ای درآورد که از قدرت سیاسی و نظامی ایل نیز بهره می‌بردند.<sup>۱۶</sup>

طرح شعارهای مذهبی شیعه از سوی اسماعیل و الزام به پذیرش آن برای جامعه صرف نظر از مسائلی که در روابط صفویان با عثمانی‌ها و ازبکان بوجود آورد، شرایط داخلی و منطقه‌ای را نیز شدیداً تحت تأثیر خود قرار داد. پذیرش مذهب رسمی جدید در ایران با وجود گزارش مورخین از صدور فرمان‌های شدید در برخورد سخت با مخالفین و انتشار این مذهب با استفاده از گروهی که وظیفه گرد زدن‌ها را داشتند و با عنوان تبرائیان از آن‌ها یاد می‌شود،<sup>۱۷</sup>

در مقایسه با برخورد دولتمردان عثمانی با مخالفین مذهبی خود، موضوع سخت و پیچیده اجتماعی نبود. فراهم بودن شرایط مذهبی جامعه برای پذیرش مذهب جدید و رشد گرایش‌های شیعی در آن دوره، تدریجی بودن پذیرش آیین تشیع در ایران صفوی و فشار مضاعفی که از سوی دولت‌های سنی مذهب شرق و غرب ایران بر این دولت وارد می‌شد، از دلایل اصلی این تفاوت است.

بر این اساس، تشیع رسمی شده در آغاز دولت صفوی نیز همچون گرایش مذهبی پیش گفته‌ی آن‌ها؛ از نوع سیاسی بود. لذا پذیرش حاکمیت اسماعیل در هر منطقه و ناحیه را می‌توان به نوعی، تأیید پذیرش مذهب او هم دانست. علاوه بر این، فاصله زیادی بین تشیع اعتقادی و فقهاتی با تشیع سیاسی در آن مقطع می‌توانست وجود داشته باشد. در توجیه این اقدام اسماعیل، آن را به حساب بکارگیری

یک ایدئولوژی مذهبی پویا توسط دولت جدید برای غلبه بر مشکلات اولیه و نیز ایجاد تمایز آشکار بین خود و دولت عثمانی سنی مذهب گذاشته‌اند.<sup>۱۸</sup> اما علاوه بر این و حتی مقدم‌تر اینکه تصمیم اسماعیل متأثر از شرایط داخلی و گرایش از پیش موجود در جامعه نسبت به مذهب تشیع بود. اسماعیل با این کار خود، سه قرن تلاش‌های صورت پذیرفته برای اشاعه آموزه‌های مذهب تشیع را از قوه به فعل درآورد و با حمایت از این جریان، مذهب تشیع را یکی از مولفه‌های حاکمیت خود قرار داد. قضاوت پیرامون اینکه در این مورد او به تاریخ سیاسی دینی ایران دوران باستان و به ویژه دوره ساسانیان نظر داشته، به

دلیل فقدان اطلاعات و سکوت منابع ممکن نیست، اما آنچه در ادامه حیات صفویان دیده می‌شود، نشان از سیاست دینی آن‌ها داشت. لذا منطقی است اگر گفته شود که اعلام رسمی مذهب تشیع در آغاز دولت صفوی، به این دولت، هویت ارضی و سیاسی داد<sup>۱۹</sup> اما در ادامه و تا پایان دولت صفوی، مذهب رسمی این دولت، نقش اصلی را در تکوین هویت ملی ایرانیان داشته است. به عبارت دیگر، مذهب تشیع در این دوره توانست با شکستن و پشت سر گذاشتن عوامل هویت قومی و سیاسی، در نقش عامل هویت‌ساز ملی ایرانیان ظاهر شود و همین امر، موجبات استمرار آن را به عنوان مذهب رسمی دولت‌های بعدی نیز فراهم نمود.<sup>۲۰</sup>

در بررسی تاریخ مذهبی ایران عصر صفوی و گرایش صفویان به تشیع اصیل دوازده امامی و به ویژه تشیع اعتقادی و فقهاتی، یکسان‌بینی مسیر گرایش و عوامل موثر بر آن در روزگار قبل از تشکیل این دولت و در روزگار دولت صفویان، نادرست است. اصولاً عوامل موثر در گرایش به تشیع قبل از تشکیل دولت صفوی مسئله‌های عموماً داخلی و متأثر از شرایط حاکم بر مسائل داخلی بود در حالی که در گرایش به شیعه اعتقادی و فقهاتی، علاوه بر گذشت زمان و زمینه‌های داخلی، مسائل خارجی و سیاسی نیز موثر



#### دو نگاه

مقبولیت تصوف در ایران پس از حمله‌ی مغولان و قرن هفتم تا دهم هجری از یکسو و گرایش‌های متمایل به تشیع در بین آن‌ها از سوی دیگر، ترکیب جدیدی را ایجاد کرده بود که صفویان از آن استفاده بهینه نمودند و حرکتی را بنیان گذاشتند که در نهایت به تشکیل این دولت و اعلام رسمیت مذهب تشیع منجر شد

نظام حاکمی را که قدرت را از راه‌های نامشروع به دست آورده و به شیوه‌های مغایر با ضوابط شرعی عمل می‌کند، بپذیرد.<sup>۳۷</sup> بنابراین همین ضرورت مقطعی است که سازگاری نهاد مذهب با نهاد حکومت و سلطنت صفوی در طول دوره حکومت آن‌ها همواره بر یک مسیر ثابت نبود و در برخی مواقع حتی با مخالفت آشکار و نهانی از سوی علمای طراز اول شیعه و گاه بدبینی دستگاه حاکمیت نسبت به نهاد دینی و روحانیت روبرو هستیم.<sup>۳۸</sup>

با توجه به مسائل پیش گفته، گرایش شیوخ و طرفداران طریقت صفوی به آموزه‌های شیعی، اولاً یک حرکت تدریجی و آرام آرام بود که تحت شرایط خاص جامعه‌ی ایران در قرون منتهی به اقدام اسماعیل در ۹۰۷ ه.ق و اعلام رسمی مذهب تشیع شکل گرفته بود. بر این اساس، یک منطق علمی و درست در تبیین چرایی اعلام رسمیت مذهب تشیع از سوی او؛ به سراغ خواب و رویاها نمی‌رود و هیچ‌گاه پای استدلال خود را چوبین بر نمی‌گزیند. شناخت دقیق شرایط زمانه، آن هم به واسطه حضور در صحنه‌های مختلف و نیز به دلیل وجود مشاورین و مریدان که اهل اختصاص نامیده شده‌اند.<sup>۳۹</sup> تجزیه و تحلیل این اوضاع، موجب شد تا او با این کار خود، ایدئولوژی نوین و پرانرژی را برای تثبیت حاکمیت خود بکار ببرد. از سوی دیگر، آنچه اتفاق افتاد، یک حرکت دور از ذهنی نبود، حرکتی با زمینه‌های طولانی و قابل پیش‌بینی؛ لذا گفته شده که صفویه و آنچه انجام دادند، خود معلول بودند، معلول نهضت تشیع ایرانیان و نه اینکه تشیع ایرانی معلول نهضت صفویه باشد.<sup>۴۰</sup> ثانیاً این اقدام آن‌ها یعنی رسمیت مذهب تشیع، پایان راه نبود، ابتدای مسیر محسوب می‌شد. مسیری که به رغم طولانی و پر مخاطره بودنش، مقصد روشنی را پیش روی خود داشت. این روشنی پس از فراز و فرود فراوان به منزلی رسید که به رغم تمام گرفتاری‌ها و مشکلاتش، نوید ساختار جدید مذهبی و هویتی را برای ایران و ایرانی داشت. رسیدن به این نقطه موفقیت و اعتبار با حمایت دولتمردان صفوی و البته با تلاش و همت حکما و دانشمندان شیعی مذهب بود که در این دوران، خوش درخشیدند. در واقع شاهان صفوی در این زمینه، خود فاقد نظر و دیدگاه و اندیشه بودند. آن‌ها با آماده کردن شرایط و دفاع از مذهب تشیع، بستر مناسبی را فراهم کردند که موجب رشد دوباره و اوج گیری اندیشه‌های تمدن‌ساز شیعی، به مدد علما و حکمای این دوره شد. این عده در اصل همان نقش اهل اختصاصی را داشتند که اسماعیل را مطرح و بر کرسی پادشاهی نشانده بودند. با این تفاوت که در دوران بعد، این گروه در جهت تحکیم مبانی تشیع فقهاتی و تجلی آن در تمام امور اجتماع تلاش نمودند. حاصل این مجاهدت‌ها بود که صفویه را در تاریخ تشیع، پر اهمیت نمود.

این ساختار جدید اگرچه در ابتدا با انگیزه‌های سیاسی شکل گرفت، اما در ادامه، مسیر اعتقادی را برگزید، لذا پایداری مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور حتی با فروپاشیدن دولت صفوی از بین رفت و به عنوان ایدئولوژی حاکمیت در سلسله‌های بعد از صفویه وجود داشت. با این وجود و فراتر از این دو نتیجه ارزشمند، اهمیت و نقش دولت صفوی در تاریخ تشیع از چنان شریاطی برخوردار است که بررسی تاریخی ایران و تاریخ تشیع بدون پرداختن به آن‌ها کاری ناقص خواهد بود.

بوده است. این تفکیک حتی با وجود گزارش‌هایی مبنی بر رواج بسیار زیاد تشیع در بین تمام اقوام ترک زبان آسیای صغیر قبل از تشکیل دولت صفویه است.<sup>۴۱</sup> بدیهی‌ترین استدلال علاوه بر مسائل خارجی ناشی از هم‌مرزی دولت صفوی با دو قطب مستحکم جهان سنت در شرق و غرب خود به موضوع مهاجرت علمای شیعی به منظور بهره‌مندی از شرایط امنیتی موجود در قلمرو صفویه و استفاده از آن برای ترویج عقاید خود و نهادینه کردن تشیع در ایران‌باز می‌گردد. اگر روزگاری نهضت صوفیانه‌ی صوفیان تنها سایه‌ای از گرایش‌های شیعی بر خود داشت، در شرایط جدید تمام هم و تلاش دولت صفوی، مصروف به قوام و دوام مذهب تشیع شد. اگر رمز پایداری و زنده‌ماندن نهضت صوفیان بعد از مرگ جنید و حیدر در تزیید قدرت طریقت صوفی‌گری دیده می‌شد،<sup>۴۲</sup> در روزگار بعد، این قدرت نیروی مذهبی بود که در دستگاه اداری دولت صفوی نفوذ بیشتری پیدا کرد تا جایی که شاه تهماسب ضمن اظهار اطاعت از محقق کرکی، در مورد او متعقد بود که «او نائب حضرت ولی عصر (عج) بوده و سلطنت حقه‌ی حق او می‌باشد».<sup>۴۳</sup> این جایگاه مستحکم کرکی تا جایی پیش رفت که حتی پس از مرگش نیز موجب شد تا در نزد شاه صفوی از جایگاه اجتهادی بالاتر برخوردار باشد و مجتهد جبل عاملی را ترجیح دهد.<sup>۴۴</sup> بر خلاف آنکه علمای شیعی دیگری نیز همچون قطفی از سایر

بلاد هم حضور داشتند. اعلام عنوان «مجتهد الزمانی» برای شیخ عبدالعالی بن علی کرکی از سوی شاه اسماعیل دوم و بیان این مطلب که این عالم شیعی، صاحب برحق امر سلطنت است<sup>۴۵</sup> را باید نقطه‌ی عطفی در حرکت جامعه و دولت صفوی به سوی آموزه‌های شیعه دوازده امامی دانست. امری که در روزگار شاهان بعدی صفوی سرعت بیشتری به خود گرفت. ناگفته نماند که از زمان شاه عباس اول به بعد، اندک اندک زمینه‌های غلبه تشیع فقهاتی بر تشیع سیاسی فراهم شد و البته در روزگار جانشینان او، قدرتمندی جایگاه و موقعیت علما و مسائل داخلی، تأثیر مهم‌تری در این مسئله داشت تا نقش مسائل خارجی. سیاست مذهبی شاه عباس اول که حالت متعادل‌تری نسبت به پیشینیان خود داشت و تعصب کمتری در این حوزه نشان می‌داد، ضمن آنکه علاقه کافی نیز به ترویج و تقویت مذهب تشیع داشت، از عوامل مهم و موثر این موضوع بود.<sup>۴۶</sup> همچنین وجود علما و فقها و فلاسفه‌ی بزرگ جهان تشیع در این مقطع نیز بر تحکیم و قوت جریان رو به رشد حرکت تشیع به سمت تشیع فقهاتی موثر بود. شیخ بهایی، میرداماد، ملا عبدالله شوشتری اصفهانی، ملا محمد تقی مجلسی و فرزندش ملا محمد باقر، ملا محسن فیض کاشانی و ده‌ها عالم و متفکر شیعی این دوره توانستند حرکتی را که محقق کرکی، غیاث‌الدین منصور دشتکی، شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی و دیگرانی از علمای بزرگ شیعه در اولین سده عمر سیاسی صوفیان بنیان گذاشته و تبیین نموده بودند، با قوت و استحکام ادامه دهند. این عده در این راه اگرچه متهم به همراهی و همکاری با حکام جائز و فاسق نیز شدند، اما نباید فراموش کرد که این امر تنها به منظور تکمیل و پیمودن راه نیم رفته بود و برای تحکیم هرچه بیشتر قدرت آنها مرکزیت شیعی در آن هنگام بود. در اصل، ضرورت دفاع از مذهب حق و مصلحتی بزرگتر، آنان را موقتا به چنین موضعی کشانیده بود و در غیر این صورت، اصول سیاسی ایدئولوژی شیعی به گونه‌ای نیست که مشروعیت حاکم و

## دو نگاه

مذهب تشیع در این دوره توانست با شکستن و پشت سر گذاشتن عوامل هویت قومی و سیاسی، در نقش عامل هویت‌ساز ملی ایرانیان ظاهر شود و همین امر، موجبات استمرار آن را به عنوان مذهب رسمی دولت‌های بعدی نیز فراهم نمود

### ۴ اهمیت دولت صفویه در تاریخ تشیع

مذهب تشیع به عنوان ایدئولوژی حاکم در جهان اسلام از اوایل تشکیل دولت اسلامی و بعد از رحلت پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله) جز در مقاطع کوتاهی و آن هم کم اثر، هیچگاه نتوانسته بود به جایگاه خود دست یابد. این تأکید، نفی گسترش گرایش به تشیع را در طول دوران حاکمیت ایدئولوژی منشعب از تسنن نمی نماید. با این وجود، دولت صفویه برای اولین بار موفق شد تا این جایگاه را برای مذهب تشیع باز یابی نماید. بر این اساس، پرداختن به موضوع اهمیت دولت صفویه در تاریخ تشیع، موضوعی کلیدی و اساسی می باشد. رهبر انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی های خود در تبیین این اهمیت می فرماید: «اینجانب برخلاف کسانی که صفویه را در چشم ها ضد ارزش کردند، تأکید می کنم که صفویه بزرگ ترین حق را به دانش فقهت و کلام شیعی دارند، زیرا آن ها بودند که راه را باز کردند و علمای شیعه را در این سطح پرورش دادند».<sup>۳۱</sup> همچنین ایران به عنوان تنها جغرافیای سیاسی دارای فرهنگ غالب تشیع در جهان امروز، پایه هایش بر همان اصول و شرایطی که از زمان صفویه بنیان گذاشته شده، قرار دارد.<sup>۳۲</sup> بر همین اساس، نگاه به دولت صفویه را نباید همچون نگاه به یکی از سلسله های پادشاهی پیش از آن در ایران محدود کرد. در بعد سیاسی، ثبات و دوام و قوام استقلال سیاسی ایران در چهار قرن گذشته، وامدار دولت صفویه است. تثبیت مرزهای سیاسی، ارائه ی هویت سیاسی مستقل، تأمین امنیت و ثبات معین ارضی، دفاع از کشور در برابر دشمنان خارج و به ویژه رهاندن ایران از دست همسایگان طمع کار و ده ها کارکرد مهم سیاسی دیگر، تصویری از اهمیت این دولت را در تاریخ سیاسی ایران به نمایش می گذارد؛ لذا در مورد این دسته از دلایل اهمیت دولت صفوی گفته شده «اهمیت این سلسله به تاریخ ملی ایران محدود نمی شود، بلکه صفویان بودند که ایران را مجدداً به صحنه ی تاریخ جهانی آورد».<sup>۳۳</sup> با وجود تمام اهمیت و اعتباری که این دسته از کارکردهای دولت صفوی در تاریخ بلندمدت ایران زمین دارد، ولسی در اینجا تنها به اهمیت و نقش کارکرد دولت صفوی در تاریخ تشیع پرداخته می شود.

۱. اختصاص یک جغرافیای سیاسی مشخص برای مذهب تشیع جغرافیا به عنوان بستر حوادث تاریخی نقش مهمی در پیدایش و تحول تاریخ مذهب تشیع در دوره ی صفویه و در آغاز توسط شاه اسماعیل اول، مذهب تشیع را دارای جغرافیایی نمود که به پشتوانه ی قدرت سیاسی حاکم بر این جغرافیا، توانست در میان دیگر مذاهب اسلامی برای خود، موقعیت مهمی بدست آورد. اگرچه پیش از این و در زمان خاندان های حکومت گر دیگری در ایران و خارج از آن، مذهب تشیع به عنوان گرایش مذهبی آن ها دیده می شود، اما هیچ کدام از آن ها نتوانستند یک جغرافیای ثابت و مستحکم و جاودانه ای را برای این مذهب فراهم نمایند. همچنین در نمونه های پیشین، مذهب تشیع امامیه، جایگاه سیاسی مستحکمی نداشت، لذا سایر گرایش های مذهبی تشیع را در بر می گرفت. این جغرافیای جدید که به تدریج و در طول سالیان متمادی و به انواع روش ها و منش ها برای مذهب تشیع فراهم شد، به رغم آنکه در میانه دو سنگ آسیاب تسنن یعنی جغرافیای سیاسی عثمانی و ازبکان قرار داشت، به دلیل موجودیت مستقلی که پیدا نموده بود، توانست در

برابر تمام ناملایمات ناشی از این همجواری مقاومت نماید و به عنوان پایگاهی مستحکم برای مذهب تشیع تا زمان حاضر باقی بماند.

۲. مکان یابی مذهب تشیع در پیدایش و تکوین هویت جدید ایران هویت به عنوان یک مفهوم نسبی، مرز ما و دیگران را تشکیل می دهد.<sup>۳۴</sup> این مفهوم نسبی به عوامل متعددی وابسته است که در شکل گیری اش دارای نقش هستند. بی گمان، دین و گرایش های معنوی، یکی از شاخصه های اصلی در معرفی هویت است. در تاریخ ایران، سلسله های متعددی را می توان برشمرد که از شاخصه های دینی ویژه ای برخوردار بوده اند که به استناد به آن، هویت جامعه را تعیین نموده اند. از این میان، اکثریت قریب به اتفاق آن ها نتوانستند پایدار باقی بمانند. اما اعلام رسمیت مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل ضمن توجه دوباره به عنصر دین و مذهب به عنوان رکن هویت بخش جامعه و بازگرداندن مذهب به ارکان هویت بخش و اختصاص مکانی برای آن در میان عوامل مؤثر، هویت جدیدی را برای جامعه ایران تعریف نمود که شاخص آن، همین نوع مذهب بود. این اقدام به هر دلیلی که بوده باشد، مذهب تشیع را در جایگاه ایجاد برای هویت قرار داد و لذا به همین دلیل گفته شده اسماعیل اول در کنار به اطاعت در آوردن مناطق و ایالات داخلی، در سایه ی سعی و تلاش و تهدید و تشویق، مذهب تشیع را هم به همراه خود از یک نیروی اجتماعی به یک نهاد مستقر هویت بخش تبدیل نمود.<sup>۳۵</sup> هویت جدید ایرانیان به گونه ای بود که حتی در نامیدن آن ها نیز از اصطلاح تشیع استفاده شد و از عنوان «مسلمان شیعه ایرانی فارسی زبان» برای معرفی آنان استفاده می شود.<sup>۳۶</sup> این اقدام صفویان همان ویژگی پیش گفته است که براساس آن، هویت سیاسی و فرهنگی امروز ایران نیز در قالب آن تعریف می شود.

۳. توجه به علم و دانش های شیعی دوره ی صفویه به عنوان آخرین دوره ی شکوفایی تمدن اسلامی در ایران شناخته می شود. یک نکته ی مهم در این دوره که کلید فهم مدنیت ایرانی محسوب می شود این است که کارکرد مذهب تشیع به عنوان گرایش مذهبی حاکم بر این مرحله، چه عملکردی داشته است؟ به عبارت دیگر، تمدن اسلامی در قرون چهارم و پنجم و در اوج اعتدالی خود به میزبانی و رهبری گرایش مذهبی تسنن و تشیع خوش درخشید اما در این مرحله، مذهب تشیع و آموزه های آن را در برگ برگ اوراق زرین تمدن اسلامی می توان دید. اهمیت این بعد از نقش صفویه در تاریخ تشیع از زاویه دیگری نیز قابل بررسی است. رسمیت مذهب تشیع در این دوره و توجهی که به علوم و دانش ها شد، نشان داد که مذهب تشیع با نگاهی سرچشمه گرفته از حکمت متعالیه، در حوزه های مختلف علمی نیز برای پیروان خود، برنامه و دستورالعمل دارد. مذهبی نوگرا و منطبق بر خواسته های روحی است که علائق علمی و ذوق هنری بشریت را نیز در نظر می گیرد. توجه به علوم و فنون مختلف، هنرها و صنایع گوناگون و ادبیات در دوره صفویه، یکی از شاخص های تمدنی این دوره محسوب می شود. شاهان صفوی به همان میزانی که در ترویج تشیع تلاش می کردند، در ایجاد مدارس و بسترهای مناسب برای آموزش دانش های مذهبی نیز می کوشیدند.<sup>۳۷</sup> این توجه ویژه موجب رشد و گسترش علوم و دانش ها شد تا جایی که در بیشتر

### دو نگاه

گفته شده که صفویه و آنچه انجام دادند، خود معلول بودند، معلول نهضت تشیع ایرانیان و نه اینکه تشیع ایرانی معلول نهضت صفویه باشد. ثانیاً این اقدام آن ها یعنی رسمیت مذهبی تشیع، پایان راه نبود، ابتدای مسیر محسوب می شد. مسیری که به رغم طولانی و پر مخاطره بودنش، مقصد روشنی را پیش روی خود داشت. این مسیر، پس از فراز و فرود فراوان به منزلی رسید که به رغم تمام گرفتاری ها و مشکلاتش، نوید ساختار جدید مذهبی و هویتی را برای ایران و ایرانی داشت

عالمان و فرهیختگان بزرگواری است که عمر خود را صرف اعتلای فرهنگی تشیع نموده‌اند. دولت صفویه با اعلام رسمیت مذهب تشیع و پایبندی به این مذهب، پشتوانه محکمی برای این دسته از دانشمندان فراهم کرد. دعوت از علمای شیعه سایر مناطق جهان اسلام و استقبال از آن‌ها و توجه و حمایت ویژه از این عده در کنار حمایت از علمای ایرانی و واگذاری برخی مشاغل و امور مهم، علمای شیعه را به محور و ستون حرکت فرهنگی شیعی دوره صفویه تبدیل نمود. نهضت فرهنگی شیعی دوره صفویه به واسطه وجود این بزرگان جهان تشیع که به طور جدی مورد حمایت و توجه دولت صفوی بودند، ممکن شد. ناگفته نماند که همراهی علما با دولت صفوی، یک نیاز ضروری برای دفاع از تشیع بود، لذا این عده با حضور در حیطه قدرت قزلباش‌ها، از راه گسترش اندیشه‌های شیعی و عمق بخشیدن به آن، نقش اساسی را در کنترل قدرت موجود و پیشگیری از انحرافات بیشتری که خطر آن‌ها وجود داشت، ایفا کردند.<sup>۴۰</sup> علاوه بر این، علمای شیعه با در نظر گرفتن وظیفه اصلی خویش، به گونه‌ای حرکت نمودند که نتیجه آن، تبدیل گرایش‌های شیعی سیاسی به گرایش‌های شیعی اعتقادی و فقهانی بود. در واقع، مهندسی فرهنگی شیعه که مبین برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه بود، به تدریج در اختیار علما قرار گرفت. علاوه بر موارد فوق، دولتمردان صفوی با حمایت از دانشمندان شیعی صاحب تخصص در گرایش‌های مختلف علمی و مشاوره با آنان و عمل به رهنمون‌های آنان، فرصت و امکانات لازم را برای درخشش آن‌ها در جهان اسلام فراهم نمودند. از این رو بود که افرادی همچون شیخ بهایی، ملاصدرا، میرفندرسکی و علامه مجلسی در صدر متخصصین و صاحب‌نظران علوم مختلف زمان خود قرار گرفته و خود و آثارشان در جهان علم و دانش شناخته شده‌اند. این حکما و دانشمندان که هر کدام چهره‌ی واقعی حکیم مسلمان و جامع علوم گوناگون بودند، با استفاده از مقامات رسمی که در اختیار گرفتند، طراحی یک برنامه جامع تمدن‌ساز را نمودند که در نتیجه، علوم گوناگون مبتنی بر معارف معنوی تشیع گسترش یافت. آن‌گونه که مدنیت صفوی با راهبرد مهندسی فرهنگی شیعی به اوج شکوفایی رسید و بار دیگر تجدید حیات علمی ایران در دوره صفویه به ثبوت رسید و حکما و معماران و مهندسان شهرساز، مدارس و مساجد و پل‌ها و قصرها و محلات و کاروانسراهای گوناگون را که برپا داشتند همه حکایت از آن طرح جامع تمدن‌ساز صفوی بر مبنای مهندسی فرهنگی مبتنی بر عقلانیت شیعی دارد. برای نمونه در این مورد، طراحی‌های شهری شیخ بهایی در چشم‌انداز معنویت اسلامی استوار بود و دروازه‌های میان جهان محسوس و جهان معقول محسوب می‌شد. ریاضیات در این معماری به عنوان جوانب وجودی وحدت و تصویری از کثرت به سوی وحدت بود، آن‌گونه که این مهندسی از معارف باطنی تشیع حکایت دارد و کثرت‌ها، جوانب وجودی وحدت هستند. هنر معماری شیعی صفوی، طرح جهان‌شناسی قرآن در آیه‌ی نور را بازنمایی می‌کند، آن‌گونه که در طرح گنبد صفوی به عنوان نماد کهکشان، دو صفت الهی اول و آخر و اشراق نورالهی نمایش داده می‌شود که مستلزم آن است که جهان از لحاظ زمانی، متکی بر مبدأ الهی دیده شود و خدا، اول است و عالم از او آغاز شده و خدا، آخر است و عالم

این رشته‌ها با پدیده‌ای به نام «مکتب» روبرو هستیم. رشد چشمگیری مدارس در داخل شهر اصفهان به عنوان پایتخت دولت شیعی صفوی که شاردن-سیاح فرانسوی-تعداد آن‌ها را در محلات مختلف درون حصار شهر ۴۸ باب می‌نویسد،<sup>۴۱</sup> موجب شد تا مکتب فلسفه اصفهان، مکتب-سبک-ادبی اصفهان و مکتب معماری اصفهان شکل گیرد و در سایر علوم و دانش‌ها نیز ملاک‌های شاخصی از آن‌ها در این شهر دیده شود. تجلی شاعران شیعی در منابع و متون ادبی و علمی، شهر اصفهان را به عنوان پایتخت فرهنگ و تمدن شیعی صفوی تبدیل نمود به گونه‌ای که بررسی تاریخ تمدن شیعه بدون در نظر گرفتن صفویه و شهر اصفهان امکان‌پذیر نخواهد بود.

#### ۴۱ اعتلای هنرهای مبتنی بر آموزه‌های تشیع

آموزه‌های متعالی تشیع در حوزه مسائل هنری نیز با تشکیل و تثبیت دولت شیعی صفوی فرصت تجلی و اعتلا یافتند. در واقع، حمایت دولتمردان صفوی از هنرمندان و تشویق آن‌ها موجب شد تا هنر شیعی نیز به دست هنرمندان به سرعت مسیر تعالی و تکامل را پیموده، به عنوان مکتب و سبک خاص، مورد استفاده در دوره‌ها و مکان‌های دیگر قرار گیرد. در این رشد، شاخه‌های مختلف هنری مورد توجه بود. هنر نمایش با استقبالی که از برپایی تعزیه و نمایش‌های محلی در سوگواری امام حسین (علیه‌السلام) و یاران ایشان در این دوره شد، به درجه‌ای از رشد رسید که حتی به عنوان الگویی مورد استفاده غربیان نیز قرار گرفته است.<sup>۴۲</sup> تجلی شاعران شیعی در آثار معماری این دوره پا را از این فراتر گذاشت و عصر طلایی معماری اسلامی با رویکرد شیعی و به ویژه در تزئینات به نمایش درآمد، اگر چه سازه‌های آن نیز از این ویژگی که به عنوان سرمشق و الگو مورد استفاده قرار گیرند، برخوردار هستند. اوج این تعالی را در طراحی شهری و معماری شهر اصفهان می‌توان دید که به طور حتم، کلکسیون معماری و تزئینات هنری شیعی است. تجلی هنر شیعی را حتی در قالی‌بافی

و نساجی، سفال‌گری و فلزکاری این دوره می‌توان دید. اما در میان، رشد هنر نقاشی و به ویژه خوشنویسی با رویکردی مبتنی بر آموزه‌های شیعی از جلوه‌های بیشتری برخوردار است. به ستنای نقاشی‌های کاخ‌ها و بناهای سلطنتی که نمایش نامطلوبی از هنر نقاشی غیر دینی و نفسانی و شهوانی و همچنین تأثیر پذیرفته از نقاشی غیر ایرانی-چینی و اروپایی-را عرضه می‌کنند، تعالی آثار دوره صفوی، اوج تجلی هنر نقاشی و خوشنویسی شیعی را نشان می‌دهند. عالی‌ترین نمونه‌های خوشنویسی در کتیبه‌های مساجد و مناره‌ها و آثار با محتوایی مبتنی بر عقاید شیعه و به زیباترین نمایش ممکن همراه با طرح و نقش‌های برگرفته از حکمت متعالیه هنر شیعی در آثار این دوره، نشانگر این واقعیت مهم هستند که هنرهای مبتنی بر انگاره‌های شیعی نیز پس از دوران طولانی صبر و انتظار، تنها از دوره‌ی صفویه توانستند جایگاه خود را در تمدن اسلامی باز یابند و برای سایر مسلمانان و دیگر جوامع بشری به عنوان الگو مورد استفاده قرار گیرند.

۴۲ حمایت از علمای شیعه و فراهم کردن زمینه رشد دانش‌های شیعی تاریخ تشیع سرشار از مجاهدت‌ها و تلاش‌های علمی و فرهنگی

#### دو نگاه

در بعد سیاسی، ثبات و دوام و قوام استقلال سیاسی ایران در چهار قرن گذشته، وامدار دولت صفویه است. تثبیت مرزهای سیاسی، ارائه‌ی هویت سیاسی مستقل، تأمین امنیت و ثبات معین ارضی، دفاع از کشور در برابر دشمنان خارج و به ویژه ره‌اندیدن ایران از دست همسایگان طمع‌کار و ده‌ها کارکرد مهم سیاسی دیگر، تصویری از اهمیت این دولت را در تاریخ سیاسی ایران به نمایش می‌گذارد



به او باز می‌گردد و نور او روشنایی بخش همه‌ی تاریکی‌هاست و همه چیز از اوست و بازگشت همه به سوی اوست.

#### ۶ توجّه به آموزه‌ها و شعائر مذهبی تشیع

آموزه‌های مذهبی و شعائر خاص یک مذهب به عنوان شاخص‌های وحدت‌بخش و البته عنصر تمایز بخش بین گروه‌های مختلف مذهبی شناخته می‌شوند. یکی از مهم‌ترین نقش‌ها و اهمیت‌های دولت صفوی در تاریخ تشیع این است که آن‌ها پس از اعلام رسمیت این مذهب، تلاش زیادی در احیای آموزه‌ها و شعائر مذهبی شیعه نمودند و حمایت پیوسته‌ای از آنها داشتند. ضمن اعتراف به وجود برخی افراط‌ها و خرافات و رفتارهای ناشایست از سوی بعضی از سلاطین صفوی و کارگزاران آن‌ها به ویژه در اواخر این دوره و هم‌زمان با تغییر محتوایی در نوع تشیع حاکم بر جامعه صفوی از سیاسی به فقه‌ای و اعتقادی، شاهد رشد بیشتر و توجّه دقیق‌تر آموزه‌ها و شعائر مذهبی شیعه نیز در این دوره هستیم. این رشد و توسعه موجب شد تا متون فقهی و حدیثی متعددی نیز در راستای توجّه بیشتر به آموزه‌های شیعی به رشته‌ی تحریر درآید که هدفی جز نهادینه کردن آموزه‌های شیعی نداشتند. این نقش مهم و کلیدی صفویه در بررسی تاریخ تشیع متأسفانه به دلیل همین انحراف‌ها، مورد غفلت واقع شده‌اند، در حالی که مباحث بسیار مهم

و اساسی همچون وجوب و یا استحباب نماز جمعه و نمونه‌های دیگر در این دوره، سخت مورد توجّه و اظهار نظر علما قرار گرفت. در واقع، دولت صفویه با توجّه به این مسائل، نشانه‌های شاخص در اعمال و رفتار شیعیان را تثبیت و نهادینه کرد که در نقطه اوج این شاخص‌ها، مراسم سوگواری و جشن‌های مذهبی قرار داشت. همچنین توجّه به سنت و وقف با کارکردهای توسعه معارف شیعی و فرهنگ دینی حاکم بر جامعه در این دوره با نقش‌های متفاوت صورت پذیرفت که حاصل آن، گرایش به سمت احیا و توسعه موقوفاتی بود که عمده‌ترین محل تأمین مخارج ضروری برای توسعه مدارس دینی و معارف شیعی محسوب می‌شدند.

#### ۷ قرار دادن مذهب تشیع به عنوان رکن اساسی در نظام سیاسی و قضایی

یکی از مشکلات مذهب تشیع تا پیش از رسمیت آن در دوره صفویه این بود که هیچ‌گاه - و حتی در دوره‌هایی که مورد توجّه و پذیرش حکومت‌ها بود- به عنوان ملاک و معیاری برای نظام‌های سیاسی و قضایی پذیرفته نشده بود. حتی با فرض رایج بودن قواعد و قوانین شیعی در برخی حکومت‌های محلی و سلسله‌های حکومتی پیش از صفویه، هیچ‌گاه آنها نتوانستند از آموزه‌های مذهب تشیع در تثبیت حاکمیت خود و مشروعیت‌پذیری خویش و نیز اعمال قوانین قضایی استفاده نمایند. این مسئله حتی در دوران پس از سقوط بغداد و خلافت عباسی و رواج اسلام مردمی پیش گفته نیز ممکن نشد. دولت صفویه را از این نظر باید پیشرو دانست. آن‌ها با استفاده از آموزه‌های شیعی، اولاً در راه تثبیت حاکمیت خود و مشروع جلوه دادن خود برای حکومت استفاده کردند و ثانیاً با در اختیار قرار دادن مقام قضاوت در دست مقام صدر که متولی آن از بین روحانیون

دینی انتخاب می‌شد به همراه برخی دیگر از مشاغل و مناصب که در اختیار علمای دین بود، مذهب تشیع را از حالت یک مذهب ساده و صرفاً در بعد عبادی، خارج و آن را به عنوان مذهبی پویا و فعال و صاحب نقش و اثر در زندگی سیاسی - اجتماعی جامعه عرضه نمودند. در این زمینه نیز با اذعان به برخی انحرافات و سودجویی‌های صورت گرفته از مذهب تشیع برای منافع شخصی سلاطین و یا رفتارها و فرامین خلاف دستورات شرعی، برکشیدن مذهب تشیع را تا حد ملاکی برای پذیرش یا رد سلطان به عنوان تأثیر و اهمیت ویژه صفویان در تاریخ تشیع می‌شناسیم. آن‌ها با انتساب خود به اهل بیت (علیهم السلام) و ادعای نیابت امام زمان (عج) تلاش نمودند تا از نوعی مشروعیت دینی استفاده و خود را شایسته‌ترین افراد برای حکومت معرفی نمایند. از سوی دیگر، رسیدگی به جرائم و صدور حکم بر مبنای آموزه‌های شیعی، مسئولیتی بود که در این دوره بر عهده‌ی گروه‌های مذهبی و علما بود. این دو موضوع به عنوان رویکردی جدید و با ثبات در تاریخ تشیع در ایران، یادگار دوره‌ی صفویه است.

علاوه بر موارد فوق، ایجاد امنیت و تمرکزگرایی و استفاده از آن برای انتشار مذهب تشیع در کل کشور، توجّه به امکان مذهبی شیعه به ویژه حرم امام رضا (علیه السلام) و عتبات عالیات، ساخت و ساز و گسترش اماکن دینی و مزین نمودن آنها به نمادها و شعائر شیعی و ...، نمونه‌های دیگری از اقدامات صفویان است که در بررسی اهمیت دولت صفویه در تاریخ تشیع می‌توان به آن‌ها نیز توجّه نمود. این اقدامات صفویان خواه مبتنی بر نیازهای سیاسی باشد و یا نشانگر اعتقاد راسخ آن‌ها به تشیع فرصت‌های جدیدی را برای مذهب تشیع فراهم کرد که پرداختن به آن‌ها در تاریخ تشیع ضرورت دارد.

#### ۸ جمع‌بندی

بررسی اهمیت و جایگاه دولت صفوی در تاریخ تشیع نشان می‌دهد که گرایش صفویان به تشیع و سپس اعلام رسمیت آن به عنوان مذهب حاکمیت و حاکم بویران، از انگیزه‌های سیاسی، آغاز و به بسترهای اعتقادی کشیده شد. این فرآیند، ناشی از حمایت دستگاه سیاسی دولت صفویه و مهم‌تر از آن، نفوذ گسترده علما و حکمای شیعه در مقامات اداری و دینی و در سمت مشاورت به عنوان اهل اختصاص بود. این عده توانستند با طراحی نقشه راه تمدن‌سازی بر مبنای مهندسی فرهنگی معارف عقلانی تشیع، یک مدنیت علوی را برپا دارند. این بررسی نشان می‌دهد در دوره‌ی صفویه، تشیع توانست هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی، از جایگاه مهم و تثبیت شده و موثری برخوردار شود. به عبارت دیگر، تشیع از یک مجموعه آموزه‌های عبادی و فقهی و البته در انزوا، خارج و به عنوان ایدئولوژی حاکم بر جامعه، پذیرفته شد و باقی ماند. بر این اساس، بررسی تاریخ تشیع بدون طرح و بررسی و عملکرد صفویان در حوزه مسائل مربوط به تشیع، بی‌گمان یک بررسی ناتمام و ناقصی خواهد بود. ■





بی‌نوشت

\* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.  
\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۱. اصغر منتظر القائم، تاریخ امامت، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷.
۲. حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح سید جمال الدین طهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱، صفحات ۳۶۰ و ۲۶۳ و ۲۷۸ و ۲۹۰.
۳. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به یاقوت حموی، معجم البلدان، الجزء الرابع، بیروت، دار صادر، بی تا، ص ۲۹۶. نیز زکریا قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاه مرادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، صفحات ۶۵ و ۱۹۷. نیز حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، صفحات ۶۳ و ۶۸.
۴. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۱۲.
۵. عزالدین ابوالحسن علی بن اثیر، الکامل فی التاریخ، الجزء الثامن، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵، ص ۵۴۹ و ۵۸۱.
۶. جعفریان، همان، صفحات ۳۴۷ تا ۳۹۴.
۷. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، جلد دوم، قم، انصاریان، ۱۳۷۵، ص ۷۲۵.
۸. میشل مزای، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸.
۹. همان، ص ۱۴۱.
۱۰. برای نمونه و اطلاع بیشتر نگاه کنید به: مسید محسن الامین، اعیان الشیعه، الجزء السابع، مطبعة الانصاف، ۱۹۶۰م، صص ۷۲-۷۰.
۱۱. مصطفی کامل الشیبی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علی رضا ذکاوتی فراگزولو، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰.
۱۲. نگاه کنید به: حسین میر جعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵، ص ۶۸.
۱۳. الشیبی، همان، صفحات ۱۶۵-۱۵۹.
۱۴. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: عبدالحمید نوائی، شاه تهماسب صفوی (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، تهران، ارغوان، ۱۳۶۸، ص ۳۲.
۱۵. نگاه کنید به: ابن بزّار نوکی، صفوه الصفاه، مصحح غلامرضا طباطبایی مجدی، بی جا، زریاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸، فصل اول و دوم مقدمه.
۱۶. حمید یارسانیا، حدیث پیمانه، قم، معاونت امور اساتید و درس معارف اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۸۶.
۱۷. حسن بیک ورمولو، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحمید نوائی، تهران، بایک، ۱۳۵۷، صص ۸۷-۸۶.
۱۸. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، صص ۲۸-۲۹.
۱۹. همان، ص ۲۹.
۲۰. حسین کوردزی، تکوین جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه، تهران، تمدن ایرانی، ۱۳۸۷، فصل پنجم.
۲۱. نگاه کنید به: منوچهر پارسا دوست، شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیر پای در ایران و ایرانی، تهران، انتشار، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳.
۲۲. مزای، همان، ص ۱۶۱.
۲۳. محمد علی مدرس تبریزی، ریحانه الادب در شرح احوال و آثار علما، جلد چهارم، تهران، خيام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ص ۲۴۵.
۲۴. عبدالله افندی الاصبهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، الجزء الثالث، قم، مطبعة الخيام، ۱۴۰۱، ص ۹۰.
۲۵. محمود دین هدیایت الله افشست‌نای نطنزی، نقاهه الآثار فی ذکر الاخبار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۴۱.
۲۶. مریم میراحمدی، دین و دولت در عصر صفوی، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۵۶.
۲۷. محمد مسجد جامعی، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، تهران، الهدی، ۱۳۶۹، ص ۲۷۸.
۲۸. گوهرزی، همان، ص ۲۴۵.
۲۹. سیوری، همان، ص ۲۶۱.
۳۰. علی شریعتی، بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی، تهران، خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، ص ۷۳.
۳۱. روزنامه همشهری، شماره ۹۹۸، پنجشنبه ۱۳۷۵/۳/۳۱.
۳۲. انگلیت کیمفر، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۳۳، ص ۱۳ مقدمه.
۳۳. هانس زوبرت ریمر، ایران در راه عصر جدید (تاریخ ایران از ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰)، ترجمه آذر آهنگی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲.
۳۴. کوردزی، همان، ص ۲۱.
۳۵. همان، ص ۲۴۴.
۳۶. رسول جعفریان، صفویه در عرصه‌ی دین فرهنگ و سیاست، جلد اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۴.
۳۷. علی اکبر ولایتی، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد سوم، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ص ۳۴۴.
۳۸. زان شاردن، سفرنامه شاردن، جلد چهارم، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸۴.
۳۹. عباس شادروان، تاریخ تاتاریت و روایت ویل دورانت، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۴۶۶.
۴۰. یارسانیا، همان، ص ۸۸.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، الجزء الثامن، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵، ق.
۲. افندی الاصبهانی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، الجزء الثالث، قم، مطبعة الخيام، ۱۴۰۱، ق.
۳. افشست‌نای نطنزی، محمود دین هدیایت الله، نقاهه الآثار فی ذکر الاخبار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۴. الشیبی، مصطفی کامل، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علی رضا ذکاوتی فراگزولو، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۵. الامین، سید محسن، اعیان الشیعه، الجزء السابع، مطبعة الانصاف، ۱۹۶۰م.
۶. پارسا دوست، منوچهر، شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیر پای در ایران و ایرانی، تهران، انتشار، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۷. یارسانیا، حمید، حدیث پیمانه، قم، معاونت امور اساتید و درس معارف اسلامی، ۱۳۷۶.
۸. نوکی، ابن بزّار، صفوه الصفاه، مصحح غلامرضا طباطبایی مجدی، بی جا، زریاب، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۹. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۱۰. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، جلد دوم، قم، انصاریان، ۱۳۷۵.
۱۱. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، جلد اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۱۲. روزنامه همشهری، شماره ۹۹۸، پنجشنبه ۱۳۷۵/۳/۳۱.
۱۳. ورمولو، حسن بیک، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحمید نوائی، تهران، بایک، ۱۳۵۷.
۱۴. ریمر، هانس زوبرت، ایران در راه عصر جدید (تاریخ ایران از ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰)، ترجمه آذر آهنگی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۶۶.
۱۶. شادروان، عباس، تاریخ تاتاریت و روایت ویل دورانت، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۱۷. شاردن، زان، سفرنامه شاردن، جلد چهارم، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴.
۱۸. شریعتی، علی، بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی، تهران، خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶.
۱۹. قزوینی، زکریا، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سیدمحمدشاه مرادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۲۰. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح سید جمال الدین طهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱.
۲۱. کیمفر، انگلیت، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۳۳.
۲۲. کوردزی، حسین، تکوین جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه، تهران، تمدن ایرانی، ۱۳۸۷.
۲۳. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب در شرح احوال و آثار علما، جلد چهارم، تهران، خيام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۲۴. مزای، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۵. مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۲۶. مسجد جامعی، محمد، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، تهران، الهدی، ۱۳۶۹.
۲۷. منتظر القائم، اصغر، تاریخ امامت، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴.
۲۸. میراحمدی، مریم، دین و دولت در عصر صفوی، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۲۹. میر جعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵.
۳۰. نوائی، عبدالحمید، شاه تهماسب صفوی (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، تهران، ارغوان، ۱۳۶۸، ص ۳۲.
۳۱. ولایتی، علی اکبر، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد سوم، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۳۲. یاقوت حموی، معجم البلدان، الجزء الرابع، بیروت، دار صادر، بی تا.